

تبيين اعلام جغرافيايى مسير كاروان حسيني با تاكيد بر كتاب ارشاد شيخ مفيد (ره)

حسن فضل^۱، دكتور ارشد شيراسد بيگي^۲، دكتور محمود دامغانى^۳

تاريخ دريافت: ۹۶/۰۳/۱۵ تاريخ پذيرش: ۹۶/۰۵/۲۰

چكیده

موضوع مقاله حاضر تبیین منازل مسیر کاروان امام حسین (ع) در کتاب *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد* دانشمند بزرگ شیعه، محمدبن محمدبن نعمان ملقب به شیخ مفید (ف. ۴۱۳ ق) است و هدف نویسنده بر آن بوده که با پژوهش در متون کهن تاریخی و جغرافیایی سده‌های پیشین و سود جستن از منابع جدید، سیمایی از جغرافیای تاریخی این مناطق ارائه دهد. چراکه تاکنون پژوهشگران و نویسندگان، تنها به بیان توضیحی کوتاه و مختصر درباره این جایگاه‌ها، و آن هم در پانوشت کتاب‌ها، بسنده کرده‌اند. این پژوهش از منظری دیگر به رخداد مهم سال ۶۱ هجری یعنی قیام و شهادت امام حسین (ع) و یاران می‌نگرد و می‌تواند در بازشناسی وقایع عاشورا در مسیر کاروان حسینی به پژوهش‌گران یاری نماید.

گرچه تعدادی از این منازل همچون گذشته، شهر یا روستایی با اهمیت و پر رونق محسوب می‌شوند اما برخی از آن‌ها با گذر زمان، از نقشه جغرافیایی حذف شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: کتاب *ارشاد*، شیخ مفید (ره)، امام حسین (ع)، اعلام جغرافیایی

۱. دانشجوی دکترای تاریخ تمدل و ملل اسلامی، دانشگاه آزاد مشهد Hf_1967_t@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد Jafar.asadbeigi@gmail.com

۳. استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد hassanfazl@yahoo.com

مقدمه

امام حسین (ع) پس از مرگ معاویه، به دلیل خاتمه یافتن تعهدش نسبت به خلافت معاویه و از طرفی پیمان شکنی او جانشین قرار دادن یزید، حاضر به بیعت با او نشد چراکه حاضر نبود با زمامداری که به ارزش‌های دینی پایبند نیست، بیعت کند. از این رو راه مکه را در پیش گرفت و از آنجا ناخواسته راهی عراق شد. امام (ع) به همراه بستگان و یاران در این مسیر از منازل عبور کرد.

با عنایت و توجه به جایگاه شیخ مفید (ره) و تألیفات ارزنده وی، پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش است که شیخ مفید (ره) در کتاب *ارشاد* در مسیر کاروان حسینی، از مدینه تا کربلا و سپس حرکت اسیران به همراه سرهای مبارک شهیدان، تا شهر دمشق، از چه منازل یاد کرده و جغرافیای تاریخی آن‌ها چگونه است؟

گاه مطالعه آثار تاریخی، حس کنجکاو را برمی‌انگیزد و خواننده علاقه‌مند را وامی‌دارد که درباره مکان‌های یاد شده در متون، شناخت بیشتری پیدا کند. منازل مسیر کاروان حسینی کمتر مطمح نظر قرار گرفته و در این باره تحقیقی جامع انجام نشده است. برخی جغرافی‌نویسان و سیاحان سده‌های پیشین و تعدادی از نویسندگان متأخر در نگاه‌های خود، به این مناطق اشاره کرده‌اند و از ویژگی‌های جغرافیایی همچون آب و هوا، کوه‌ها، جمعیت، مساحت، ارتفاع و فاصله‌های این مناطق تا دیگر آبادی‌های مسیر یاد کرده‌اند. همچنین با عنایت به متون جدید می‌توان به ویژگی‌های کنونی بعضی از این مکان‌ها دسترسی پیدا کرد. ضمن اینکه تعدادی از این منازل هم‌اکنون خالی از سکنه هستند و وجود خارجی ندارند یا به بخش‌های دیگر پیوسته‌اند.

درباره اعلام جغرافیایی مسیر حرکت امام حسین (ع) و یاران، مقاله یا کتابی منتشر نشده است و تنها متون تاریخی و کتاب‌هایی که در زمینه نهضت عاشورا به رشته تحریر درآمده‌اند، به هنگام یادکرد از این مناطق، در پانویس، توضیحاتی مختصر ارائه داده‌اند. دانش‌نامه امام حسین (ع) مطالبی دارد که بخشی از آن، به ویژه نقشه‌ها، در کتابی با نام *اطلس غدیر و عاشورا* به چاپ رسیده است.

روش مقاله حاضر به شکل کتابخانه‌ای است و ابزار استفاده شده به صورت



فیش برداری بوده است.

۱. مدینه

امام حسین (ع) هنگام شهادت برادرش امام حسن (ع) در مدینه بود. وی به پیمانی که امام سلفش با معاویه بسته بود، متعهد ماند اما با مرگ معاویه، حاضر نشد با فرزند او، یزید، دست بیعت دهد بنا براین از مدینه راه مکه را پیش گرفت (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۴۱/۲).

۱-۱. وجه تسمیه

ظاهراً این شهر پیش از حضور رسول اکرم (ص) یثرب نامیده می شد اما با ورود حضرت، مدینه النبی نام گرفت و بعد از آن به اختصار «مدینه» باقی ماند.

۲-۱. مدینه و یثرب در قرآن کریم

واژه مدینه، چهارده بار در قرآن کریم آمده است (عبدالباقی، ۱۳۹۰: ۷۷۸). جمع آن، مدائن، سه بار به کار رفته است (همان). تعدادی از این واژگان به معنی شهر و برخی به معنی مدینه النبی است. مثلاً در آیه شریفه «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ...»^۱ (منافقون/ ۸) به شهر مدینه دلالت دارد.

نام قدیمی آن، یثرب، تنها یک بار در قرآن کریم دیده می شود (عبدالباقی، ۱۳۹۰: ۸۷۷). در مصحف شریف چنین آمده است: «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا...»^۲ (احزاب/ ۱۳).

۳-۱. نام های مدینه

نام دیگر شهر، طیبه است. عباس بن فضل علوی گوید (ابن خردادبه، بی تا: ۱۰۵):

وَعَلَى طَيْبَةِ الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْهَا لِخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ^۳

۱. می گویند: اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم، عزیزترین افراد، دلیل ترین آنها را بیرون خواهد کرد.

۲. و آنگاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم یثرب (مدینه)! برای شما جای ماندن نیست. پس برگردید.

۳. طیبه را خداوند به خاطر خاتم پیامبران مبارک کند.

زید بن اسلم می گوید رسول اکرم (ص) فرمود: برای مدینه ده نام هست: المدینه، طیبة، طابة، مسکینه، جابرة، مجبورة، یثرب، ثیبور، الدار و الايمان (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۸۸).

در کتاب البلدان گفته پیامبر (ص) درباره نام های مدینه، به شکلی دیگری بیان شده است: الباقية، الموفیة، المباركة، المحفوفة، المحرمة، العذراء، طیبة، المسکینة، المسلمة، المقدسة، الشافية و المرزوقه (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۸۰).

و هب بن منبه عقیده دارد که پیامبر (ص) زمانی که به یثرب هجرت کرد، آنجا را «طیابا» خواند (همان). این سخن نمی تواند درست باشد زیرا نام مدینه و مدینه النبی را مردم شهر از زمان ورود پیامبر و شاید پیش از آن نهاده بودند. آن ها با شوق به استقبال حضرت آمده و با هم این شعر را زمزمه می کردند (البلادی، ۱۴۳۱: ۸/۱۵۳۴):

طلع البدر علینا من ثنیاات الوداع
 وجب الشکر علینا ما دعا لله داع
 جئت شرف مرحباً یا خیر داع

معجم معالم الحجاز، نام های مدینه را بالغ بر ۹۵ عدد می داند (همان: ۱۵۳۸).

۴-۱. مدینه، پایتخت نخستین دولت اسلامی

زمانی که پیامبر اکرم (ص) به آنجا مهاجرت کرد، این شهر پایتخت و کانون گسترش اسلام شد. پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) و برآمدن خلیفگان، با وجود در اختیار داشتن شهر مکه، باز هم مدینه مرکز خلافت بود.

۵-۱. جغرافیای مدینه

این شهر در غرب شبه جزیره عربستان قرار دارد. فاصله آن از طریق منطقه بدر تا دریای سرخ (بحر قلزم)، ۲۵۰ کیلومتر و تا شهر مکه، ۴۶۰ کیلومتر است.

ارتفاع شهر از سطح دریا، ۶۲۵ متر و طول جغرافیایی آن ۳۰° ۳۶' ۳۹" و عرض آن ۲۸° ۲۴' است^۱ (البلادی، ۱۴۳۱، ج ۸: ۱۵۳۵). دمای شهر در تابستان بسیار گرم است و گاهی

^۱ کخاله با اندکی تفاوت، ارتفاع شهر را از سطح دریا، ۶۱۹ متر، طول جغرافیایی آن را ۵۰° ۳۹' و عرض جغرافیایی را ۲۴° ۳۲' ذکر می کند. (۱۳۸۴: ق: ۱۷۴)

درجه حرارت به ۴۵ می‌رسد. در زمستان این دما به ۶ کاهش می‌یابد (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۷۷). محصولات شهر، موز، انگور، پرتقال و به‌ویژه خرما است (البلادی، ۱۴۳۱: ۱۵۳۶/۸). جمعیت شهر ۱۵۰،۰۰۰ نفر است (همان).

از کوه‌های مهم مدینه، «أحد» است که در شمال شهر قرار دارد و طول آن از شرق تا غرب ۶۰۰۰ متر است و رنگ آن به سرخی متمایل است. از کوه‌های دیگر مدینه می‌توان به «عیر» و «ثور» اشاره کرد که عیر، بلندتر و بزرگتر است و در جنوب مدینه است. کوه ثور در شمال أحد قرار دارد (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۴). صاحب‌آکام‌المرجان، از کوه دیگری به نام رضوی هم سخن گفته است (منجم، ۱۳۷۰: ۲۶).

احسن‌التقاسیم به کاریزها و آب‌انبارهای شهر در سده چهارم اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۱۵/۱).

جغرافی‌نویسان به چهار وادی (دره) در مدینه اشاره کرده‌اند: قنات، بطحان، عقیق بزرگ و عقیق کوچک (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۱). هنگام بارندگی، آب‌های این وادی‌ها پس از جمع شدن در دره بنی‌سُلیم به وادی غابه و سپس وادی اِصم می‌رود و در دو چاه رومه و غره فرو می‌رود (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۲۶).

۱-۶. مسجدهای مدینه

مسجدهای تاریخی مدینه عبارت‌اند از: مسجد نبوی، مسجد جمعه، مسجد مصلی، مسجد غمامه، مسجد فتح، مساجد ذباب (ذویاب)، مسجد ذوقبلتین، مسجد بنی‌ظفر، مسجد السقیا، مسجد الاجابه (مسجد بنی‌معاویه)، مسجد البحیر (مسجد السجده) و مسجد الفضیح (مسجد الشمس) (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

آرامگاه شریف پیامبر اکرم (ص) در مسجد النبی و روضه حضرت در جانب شرق، میان منبر و مرقد قرار دارد (منجم، ۱۳۷۰: ۲۷).

۲. مکه

امام حسین (ع) هرگز حاضر نبود با یزید بیعت کند؛ از این رو به جانب مکه رهسپار شد (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۴۷/۲).

۱-۲. وجه تسمیه

ابراهیم بن ابی‌المهاجر گوید: مکه را بدین جهت نام نهاده‌اند که مردم از اطراف و اکناف به سوی آن روانه شوند. نام بگه هم آمده است و آن بدین خاطر است که اگر کافران در آنجا ستم کنند، گردن‌هایشان کوبیده شود. همچنین به معنای محل ازدحام است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۷۴). نیز جایی که نخوت و غرور ستم‌گران از بین برود (یاقوت حموی، بی‌تا: ۱۸۱/۵)

برخی مکه را نام شهر و بکه را نام بیت دانسته‌اند. تعدادی هم بر این باورند که «مکه» و «بکه» یکی است و میم به باء بدل شده است (همان).

۲-۲. مکه و بکه در قرآن کریم

نام «مکه» تنها یک بار در قرآن کریم آمده است (عبدالباقی، ۱۳۹۰: ۷۸۶). آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: (وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ) ^۱ (فتح: ۲۴).

«بگه» نیز در قرآن کریم، یک بار ذکر شده است: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) ^۲ (آل عمران: ۹۶).

۳-۲. نام‌های دیگر مکه

خداوند متعال در قرآن کریم این شهر را با نام‌های اُمُّ الْقُرَى، الْبَلَدِ الْأَمِينِ وَالْبَلَدِ يَادُ كَرَّمَهُ است (یاقوت حموی، بی‌تا: ۱۸۲/۵) در سایر متون، نام‌های دیگری هم ذکر شده است: القرية، قرية النمل، الحاطمه، الوادی، الحَرَم، العرش، بَرَّة، صَلَاح، قَطَام، طَيِّبَة، مَعَاد، أُمُّ الرَّحْمِ و... (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۴۷).

۴-۲. تاریخ مکه

مکه (کعبه) خانه حضرت آدم (ع) بوده و ملت‌ها پیوسته آن را بزرگ می‌داشتند تا

۱. و او کسی است که بعد از آنکه شما را [در حدیبیه] بر آنان پیروز ساخت، در درون مکه هم دست آنان را از شما و دست شما را از آنان کوتاه ساخت.

۲. همانا اولین خانه‌ای که برای عبادت مردم مقرر شده همان است که در سرزمین بکه (مکه) است که مایهٔ برکت و هدایت جهانیان است.

زمانی که خداوند بزرگ و گرانمایه مکان آن را به حضرت ابراهیم (ع) نشان داد. سپس ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع)، اساس و پایه‌های آن (کعبه) را برافراشتند (ابن خردادبه، بی تا: ۱۰۹).

در *آکام/المرجان* نیز آمده است: مکه، سرای آدم (ع) بوده و حجرالاسود در آنجا بود تا آنکه طوفان نازل شد. پس خدای تعالی ابراهیم خلیل (ع) را به ساختن آن فرمان داد (منجم، ۱۳۷۰: ۲۴).

با سکونت هاجر و اسماعیل (ع) و تجدید بنای خانه کعبه، سکونت در مکه رونق گرفت و قبیله‌های عرب در آنجا ساکن شدند. با تولد رسول اکرم (ص) و برانگیخته شدن حضرت، مکه به عنوان کانون گسترش دین اسلام و مقدس‌ترین جایگاه کره خاکی، برتری خویش را آشکار کرد.

۲-۵. جغرافیای مکه

این شهر در غرب شبه جزیره عربستان و در شرق دریای سرخ واقع است. فاصله این شهر تا مدینه ۴۶۰، تا جدّه، ۷۳ و تا طائف ۹۸ کیلومتر است. (البلادی، ۱۴۳۱: ۸/۱۶۵۴). ارتفاع شهر از سطح دریا، ۲۷۹ متر است. (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۴۸) طول جغرافیایی آن "۳۵° ۴۹' ۳۹" و عرض جغرافیایی "۲۰° ۲۵' ۲۱" است^۱ (موسوعة اسماء الاماکن فی المملكة العربية السعودية، ۱۴۲۴: مکه).

هوای شهر مکه گرم است. حداکثر دمای آن ۴۷° و حداقل ۱۵° ثبت شده است (کحاله، ۱۳۸۴: ۸۰).

شهر مکه در میان کوه‌ها و دره‌ها واقع است. از کوه‌های بزرگ آن، *أبوقبیس*، محصّب و ثبیر است (منجم، ۱۳۷۰: ۲۳). کوه *ابوقبیس* در درون شهر است. از کوه‌های دیگر می‌توان به *قعیقعان*، *فاضح*، *ثور*، *حراء*، *تفاحه*، *مطابخ*، *فلق*، *حجون* و *سقر* اشاره کرد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۳). دره‌های مکه عبارت‌اند از: *حجون*، *دار مال الله*، *بطاطین*، *فلق ابن زبیر*،

۱. در کتاب *معجم معالم الحجاز*، طول جغرافیایی ۳۸°۳۰ و عرض جغرافیایی ۲۱°۳۰ آمده است. (البلادی، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ۱۶۴۵)



ابن عامر، جوف، خوز، أذاخر، خط الخرامية، صفا، رزازين، جزارين، زقاق النار، جبل تفاحة، حجاج، عطارين، جیادالكبير، جیادالصفی، النفر، ثور، خیام عنقود، یرنی، علی، ثنية المدنيين و الحمام (همان).

در مکه هیچ آب روانی وجود ندارد. آب های آنجا از چاه ها تأمین می شود. مهم ترین و پاکیزه ترین آن ها، چاه زمزم است.

احسن التقاسیم به مناطق منا، أمج، جُحفة، فُرع، جَبَله، مَهائِج، حاذة، طائف و بلدة اشاره کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۷/۱). او به سه غار حراء، ثور و غاری دیگر در پشت کوه ابوقبیس اشاره می کند (همان: ۱۴۵).

۲-۶. مسجد الحرام و کعبه

به گواهی رسول خدا (ص) و به اجماع دانشمندان و مورخان، مسجد الحرام و کعبه، مقدس ترین مکان بر روی زمین است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: اِنَّكَ اَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَيَّْ^۱... (البلادی، ۱۴۳۱: ۱۶۴۹/۸).

مسجد الحرام و کعبه در زمان های گوناگون بازسازی شده است. مساحت مسجد الحرام، در گذشته ۱۶۰۱۶۸ متر مربع بوده که گنجایش ۳۰۰،۰۰۰ نمازگزار را داشته است (البلادی، ۱۴۲۱: ۱۵۸۸/۸). کعبه در وسط مسجد الحرام قرار دارد که به خاطر مکعب بودن، بدین نام معروف است. ارتفاع کعبه ۱۵ متر و طول ضلع های آن به ترتیب: شمالی ۹/۹۲، غربی ۱۲/۱۵، جنوبی ۱۰/۳۵ و شرقی ۱۱/۸۸ متر است. در خانه در ضلع شرقی است که از سطح زمین دو متر ارتفاع دارد (کحاله، ۱۳۸۴: ۱۶۳). رکن های کعبه، یمانی، شامی، عراقی و حجر الاسود هستند (جیهانی، ۱۳۶۸: ۴۴).

۳. تنعیم

امام حسین (ع) پس از ناتمام گذاشتن حج، مسیر عراق را انتخاب می کند. او در این مسیر به تنعیم^۲ می رسد (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۹۹/۲). امام (ع) در این منزل اموالی را که

۱. قطعاً تو محبوب ترین زمین خدا برای منی.

عامل یمن برای یزید فرستاده، مصادره می کند (اطلس غدیر و عاشورا، ۱۳۹۲: ۳۵).
 تنعیم میقات اهل مکه است. طول جغرافیایی آن ۴۸' ۳۹ و عرض جغرافیایی "۵' ۲۸
 ۲۱ است (موسوعة اسماء الاماکن، ۱۴۲۴: تنعیم).
 از آن جهت تنعیم گفته شده که سمت راست آن کوهی به نام نعیم و در سمت چپ
 آن کوهی به نام ناعم است وادی میان آن دو را نعمان می گفتند (حمیری، ۱۹۸۴: ۱۳۹-
 ۱۳۸) نام دیگر آن، مسجد عایشه است^۱ (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۸).

۴- ذات عرق

منزلگاه بعد که امام حسین (ع) از آن عبور کرد، ذات عرق^۲ است (شیخ مفید،
 ۱۳۸۹: ۱۰۰/۲).

این منزل، میقات مردم عراق است. منزلگاهی پرجمعیت، پردرخت و پرآب بوده
 است. احسن التقاسیم در سده چهارم، آنجا را دیهی خشک و عبوس دانسته است
 (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۱۲/۱-۱۱۳).

الروض المعطار به مسجد بزرگ آنجا اشاره می کند (حمیری، ۱۹۸۴: ۲۵۶).
 لسترنج (۱۳۶۷) درباره آن می نویسد: از عراق به حجاز از طریق بادية العرب، دوراه
 بود. راه اول از کوفه و دومی از بصره آغاز می شد. هر دوی آن ها در نزدیکی منزلگاهی
 که به آن «ذات عرق» می گفتند و به فاصله دوروز راه در شمال مکه واقع بود، به هم
 می رسیدند (۹۰).

۵. حاجز (حاجر)

منزلگاه بعدی امام حسین (ع) و یاران، حاجز^۳ است که در برخی کتاب ها حاجر آمده
 ۱. علاوه بر این رسته، صاحبان کتب معجم معالم الحجاز و ممالک و مسالک این مسأله را صحه می گذارند.
 (البلادی، ۱۴۳۱ق، ج ۸: ۱۵۸۷؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰). نام گذاری آن بدین سبب است که رسول گرامی
 اسلام (ص) در حجه الوداع به عبدالرحمان بن ابی بکر فرمود با خواهرش عایشه از آنجا محرم شوند.
 (ابن بطوطه، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۴۸)

2. Zat-e-ergh

3 Hajez(hajer)

است. این مکان ناحیه‌ای از بطن الرُّمَّة است (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۰۱/۲).
 الاعلاق النفیسه می‌نویسد: منزلگاهی است خزَم که آن را ابودلف، قاسم بن عیسی
 ساخته است. آب مشروب آن از چاه‌ها و برکه‌ها است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۶).
 ابن بطوطه (۱۳۴۸) در سفرنامه خویش به آب‌دان‌های (آب‌انبار) حاجز، اشاره کرده که
 تعدادی خشک شده و بدین سبب به جای آن‌ها، چاه‌های بزرگی حفر کرده‌اند (۱/۱۸۱).
 پیش از او ابن جبیر هم در سفرنامه‌اش این آبگیرها را گودال‌های کم ژرف و نام آن‌ها را
 احفار ذکر کرده است (۱۳۷۰: ۲۵۳).

۶. بطن الرُّمَّة

چون امام حسین (ع) به منزل حاجز رسید که جایی از بطن الرمه است، قیس بن مسهر یا
 عبدالله بن یقطر، برادر رضاعی خود را به کوفه فرستاد (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۰۱/۲).
 ابن درید گوید: زمینی گسترده در نجد است که [آب] چند دره بدان می‌ریزد (یا قوت
 حموی، ۱۳۸۰: ۵۷۶/۱).
 در مراصد الاطلاع هم آمده که آنجا منزل اهل بصره بوده است؛ زمانی که اراده شهر
 مدینه داشته‌اند. مردم کوفه و بصره در آن گرد آیند و از آنجا به عُسَیله روند (بغدادی،
 ۱۳۷۳: ۶۳۴/۲).

۷. زَرُود

زرود^۱ منزلی است که در آنجا عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشمعل که هر دو از طایفه
 بنی اسد بوده‌اند، به امام (ع) برخوردند و خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را از
 بکر بن فلان دریافت کردند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۰۷/۲). همچنین در این منزل است که
 زهیر بن قین پس از دیدار امام (ع) به سپاه حضرت پیوست (اطلس غدیر و عاشورا: ۳۵).
 برخی نویسندگان زرود را همان خُزیمیه^۲ دانسته‌اند. ابن رسته بر این باور است که این

1. Zaroud

۲. Khuzaimiya، البته مقدسی آن را خُزیمیه آورده است. (احسن التقاسیم، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۳۶۰)

منزلگاه در بادی امر زُرد نامیده می‌شد و چون خزیمه بن خازم در آنجا برکه‌ها و آب‌روهایی برای آب‌چاه ایجاد کرد و به وسیله شتران از آن‌ها آب می‌کشید، به این نام خوانده شده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۵؛ قدامة بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۰).

یاقوت درباره وجه تسمیه آن می‌گوید: زُرد، به معنی بلوع و زرد به معنی بلع است و سبب نام‌گذاری این است که تپه‌های شنی میان ثعلبیه و خُزیمیه که در راه حاجیان کوفی وجود داشته، آب باران را می‌بلعند. ابن کلبی نظر دیگری دارد و گوید: زُرد دختری از دختران یثرب است که نسبش به نوح (ع) می‌رسد. همچنین یوم زُرد از ایام العرب به شمار می‌رود (یاقوت حموی، بی‌تا: ۱۳۹/۳). در مرصداالاطلاع قول دیگری آمده است: در آن قصری زرد رنگ است و بدین جهت زُرد گفته شود (بغدادی، ۱۳۷۳: ۶۶۴/۲).

۸. ثعلبیه

ثعلبیه^۱ محلی است که دو تن از قبیلۀ بنی‌اسد به نام‌های عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشمعل، خبر شهادت هانی و مسلم را به امام (ع) دادند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۰۷/۲).

این منزل، یکی از منازل راه کوفه به مکه پس از شقوق و پیش از خُزیمیه است (یاقوت حموی، ۱۳۸۸: ۸۰۸/۱).

در *الاعلاق النفیسه* آمده است: ثعلبیه شهری است که گرد آن باره‌ای (بارو) است و در آن چندین گرمابه و بازار است. دارای مسجد جامع و منبر است. آب مشروبشان از برکه‌ها است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۵).

ابن جبیر و ابن بطوطه به دیوارهای خراب قلعه و آبگیر آنجا اشاره کرده‌اند (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۵۵؛ ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۱۸۲/۱).

۹- زُباله

زُباله^۲ منزلی است که خبر شهادت قیس بن مسهر و به روایت دیگر عبدالله بن یقَطِر،

1. Tha'labiya

2. Zobale

برادر رضاعی حضرت، را به ایشان می‌رسانند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲/۱۰۹). امام (ع) فرجام شهادت را به یاران اعلام کرده و آن‌ها را مخیر به بازگشت یا ماندن می‌کند (اطلس غدیر و عاشورا، ۱۳۹۲: ۳۵).

این محل، قریه‌ای بزرگ و آباد و دارای بازارها و آب فراوان در زمستان و تابستان و در زمین پست وادی قرار داشته است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۵).

ابن جبیر از کاخی استوار، دو آبگیر، چاه‌های متعدد و آبشخور در آنجا نام می‌برد (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

معجم البلدان می‌نویسد: این مکان را از این جهت زباله می‌نامند زیرا آب را در خود نگه می‌دارد و نیز زباله، نام دختر مُسَعَّر از عمالقه بوده که در اینجا ساکن شده است. همچنین یوم زباله از ایام العرب است (یاقوت حموی، بی تا: ۱۲۹/۳).

۱۰. بطن عقبه

امام (ع) پس از منزل زباله، به بطن عقبه^۱ رسید. در این منزل با عمرو بن لوزان روبه‌رو شد. او سفارش کرد حضرت از مسیر بازگردد. امام (ع) در پاسخ فرمود: آنچه تو می‌اندیشی بر من پوشیده نیست اما به خدا آن‌ها دست از من برندارند تا خون مرا بریزند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲/۱۱۰-۱۱۱). در همین منزل، امام (ع) رؤیایی دید و آن را به شهادت خود تعبیر کرد (اطلس غدیر و عاشورا، ۱۹۳۲: ۳۵).

در *الاعلاق النفیسه* آمده است: عقبه منزلگاهی است که در آن چاه‌ها و برکه‌هایی است. در واقع گردنه‌ای بوده که آن را هموار کرده‌اند (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۵).

۱۱. شراف

منزل شراف^۲ منزل بعدی امام حسین (ع) است. این منزل پس از بطن عقبه و پیش از ذوحُسم است (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲/۱۱۱).

1. Batn-e-Agaba

2. sharaf

در معجم البلدان آمده است: شراف به معنی بلندی است و گفته‌اند: آبی در نجد است. ابوعبیدالسکونی گفته است: در شراف سه چاه بزرگ موجود است که آبی شیرین دارند. همچنین گفته شده شراف نام یکی از عمالقه است. و گفته‌اند شراف واقصه دو دختراند که به نوح(ع) منسوبند (یاقوت حموی، بی تا: ۳/۳۳۱).

۱۲. ذُوْحُسْم

ذُوْحُسْم^۱ منزلی است که امام حسین(ع) و یاران با لشکر حربن یزید روبه‌رو شدند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۱۲/۲). در این مکان یاران امام لشکر حُررا سیراب کردند. امام(ع) پیش از نماز ظهر خطبه کوتاهی بیان کرد و دو سپاه به امامت حضرت نماز خواندند. امام(ع) پس از نماز عصر خطبه‌ای خواند و پس از خطبه، با حربه مذاکره پرداخت. آن‌ها به ادامه مسیری غیر از مدینه و کوفه توافق کردند (اطلس غدیر و عاشورا: ۳۵). این منزل به شکل ذُوْحُسْم و ذُوْحُسْم هم آمده است (بغدادی، ۱۳۷۳: ۲۰۲/۱؛ یاقوت حموی، بی تا: ۲/۲۵۸).

۱۳. عُدَیْبُ الْهَجَانَات

امام حسین(ع) و یاران در حالی که حربه سپاهیان آن‌ها را همراهی می‌کردند به منزل عُدَیْبُ الْهَجَانَات رسیدند^۲ (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۱۸/۲). عذیب، اردوگاه و زینستان^۳ ایرانیان بوده که بر سر راه بیابان قرار داشته است. ابن جبیر (۱۳۷۰) در سفرنامه خود از این مکان به زیبایی یاد کرده است: دره‌ای است پر نعمت و بر آن بنایی است و پیرامونش فلاتی است حاصلخیز که دیدگان مسافرا نمایشگاهی است پر طراوت و تفرج‌گاهی از خضارت و به ما گفتند که بارق نزدیک آنجاست (۲۵۸).

1. zou-Hosm

2. ozaib - ol - hejanat

۳. اسلحه خانه

معجم البلدان هم به آب خوش‌گوار آنجا اشاره‌ای داشته و این محل را متعلق به بنی تمیم و منزلگاه حاجیان کوفه دانسته که دارای آب، برکه، چاه، خانه، قصر، مسجد و پاسگاه نگهبانی ایرانیان بوده است (یاقوت حموی، بی تا: ۹۲/۴).

۱۴. قصر بنی مقتل‌ها

این منزل بعد از منزل عزیب الهجانان است. امام حسین (ع) با عبدالله بن حر^۱ صحبت کرد و از او خواست که به حضرت بپیوندد اما وی نپذیرفت. سپس امام (ع) از او خواست از جنگ با حضرت پرهیزد (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۱۹/۲).
قصر بنی مقتل‌ها^۲ یا قصر مقتل‌ها، به مقتل‌های ابن حسان بن ثعلبه متعلق بوده که میان عین التمر و قُطَطَانَه قرار داشته است. این مکان علاوه بر قصر، دارای مسجد و بناهای دیگری هم بوده که خراب شده و تنها تپه‌هایی از بقایای آن مانده است (یاقوت حموی، بی تا: ۳۶۴/۴).

۱۵. نینوا

منزل پس از قصر بنی مقتل‌ها، نینوا^۳ است که در آنجا پیکری از جانب عبیدالله بن زیاد رسید که به حردستور داده تا بر امام (ع) سخت بگیرد و ایشان را در زمین بی پناه و بی آبادی فرود آورد (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۲۱/۲).
با بررسی این واژه در منطقه عراق، به دو نینوا برمی‌خوریم. یکی شهری تاریخی، که سومین و آخرین پایتخت دولت آشور بوده که خرابه‌های آن در جانب چپ رودخانه دجله، مقابل شهر موصل کنونی قرار دارد (الحسنی، ۲۰۱۳: ۷۶). ابن حوقل به سال ۳۵۸ هجری از این روستا یاد می‌کند که در آنجا قبر حضرت یونس بن متی (ع) واقع است (لسترنج، ۱۳۶۷: ۹۵). اکنون نینوا از مهم‌ترین استان‌های شمالی عراق است و مرکز آن شهر موصل است. پیش از آن نینوا مروارید موصل نامیده می‌شده

۱. برخی عبیدالله بن حرد ذکر کرده‌اند. (اطلس غدیر و عاشورا: ۳۵)

2. Ghasr – e- Bani Maghatel

3. Nainava

است (بابان، ۲۰۱۳، ۳۰۳/۱).

اما معجم البلدان از نینوای دیگری یاد می‌کند که ناحیه‌ای از سواد کوفه است که کربلا زیرمجموعه آن است (یاقوت حموی، بی‌تا: ۳۳۹/۵). نینوا مجاور اراضی سده الهندیه و در ادامه غاضریه بوده که امروزه اراضی حسینی نامیده می‌شود (الحسنی، ۲۰۱۳: ۱۲۴).

۱۶. غاضریه و ۱۷. شَفَّیَه

امام حسین (ع) به حربن یزید گفت: بگذار به این ده، یعنی نینوا و غاضریه، یا آن دیگری یعنی شَفَّیَه فرود آییم. حرگفت: به خدا نمی‌توانم زیرا این فرد، فرستاده مردی است که برای نظارت نزد من آمده که ببیند آیا من به دستور عبیدالله رفتار می‌کنم یا نه؟ من ناچارم در برابر چشم او دستورش را انجام دهم (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۲۲/۲-۱۲۳). غاضریه^۱ روستایی از نواحی کوفه نزدیک کربلا است (بغدادی، ۱۳۷۳: ۹۸۰/۲). شَفَّیَه^۲ نیز روستایی است که چاهی دارد که بنی اسد آن را حفر کرده‌اند (همان: ۸۰۵).

۱۸. کربلا

به دستور حربن یزید، امام (ع) در کربلا فرود آمد. امام حسین (ع) و یاران چادرها را برپا کردند و ماجرای غمبار عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و همراهان در این مکان روی داد.

۱-۱۸. وجه تسمیه

معجم البلدان درباره نام گذاری آن نوشته است: کربلا از «کربله» گرفته شده که به معنی سستی در قدم‌ها است. شاید زمین اینجا در آدمی سستی به وجود بیاورد. نیز کربل نام گیاهی است که شاید در آنجا رشد می‌کرده است (یاقوت حموی، بی‌تا: ۴۴۵/۴). امام (ع) زمانی که به این ناحیه وارد شد، از نام محل پرسید. گفتند: کربلا. فرمود: زمین کرب و بلا (همان).

1. qhazerieh

2. shofay-yeh

نظر دیگری هم هست که کلمه کربلا از دو کلمه آشوری «کرب» به معنی حرم و «ایل» یعنی الله گرفته شده که معنی آن حرم الله است. عده ای هم می گویند این کلمه، فارسی و مصدر مرکب از دو کلمه «کار» و «بالا» بوده که معنی مکانی آسمانی و محل عبادت و نماز است (الحسنی، ۲۰۱۳: ۱۲۴).

۱۸-۲. تاریخ کربلا و حرم شریف

یکی از قدیمی ترین قسمت های کربلا، خرابه های قصر اخضر است که در ۵۵ کیلومتری شهر کربلا است. لویی ماسینیون معتقد است که این قصر مربوط به ملوک حیره پیش از اسلام است. هرتسفلد آلمانی پس از کاوش در آن به وجود مسجد و محراب پی برد و این مکان را به سده سوم هجری مربوط دانست (الحسنی، ۲۰۱۳: ۸۲-۸۳). تاریخ مشخص عمارت حسینی از سده سوم است. ظاهراً ساختمانی در آنجا وجود داشته که به دستور متوکل به سال ۲۳۶، بنا شده و قبر امام (ع) تخریب شده و بر آن، آب بسته اند (لسترنج، ۱۳۶۷: ۸۵). عضد الدوله دیلمی به سال ۳۶۸ هجری ضریح باشکوهی روی قبر ساخت (همان). در سال ۴۰۷ هجری آرامگاه حضرت دچار آتش سوزی شد و دوباره بازسازی شد. در سال ۴۷۹ هجری ملک شاه سلجوقی هنگام شکار در آن منطقه به زیارت حضرت نایل شد (همان: ۸۶). سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۴۱/۱۵۳۴ م پس از زیارت آنجا، دستور بازسازی بنا را داد. ناصرالدین شاه قاجار هم در سال ۱۲۸۳ ق/۱۸۶۶ م اقدام به بازسازی آنجا کرده است (بابان، ۲۰۱۳: ۲۴۶/۱).

۱۸-۳. جغرافیای کربلا

شهر کربلا مرکز استان کربلاست. جمعیت آن طبق آمار سال ۱۹۶۵، ۳۰۱، ۸۳ نفر بوده است. البته جمعیت نفوس در زمان حاضر بیش از این تعداد است. مسافت آن تا بغداد ۱۰۴ کیلومتر و تا نجف ۷۵ کیلومتر است (همان: ۲۴۴).

۱۹. کوفه

هرچند امام حسین (ع) و یاران حضرت در واقعه طف به شهادت رسیدند و بدن های مبارکشان در همین ناحیه دفن شد اما به همراه کاروان اسیران، سرهای شهیدان منازلی

راطی کردند. ارشاد به دو منزل کوفه و دمشق اشاره کرده است (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲/۱۷۰).

۱۹-۱. وجه تسمیه

در *البلدان* آمده است: کوفه از *تکْوَف* گرفته شده و به معنی انباشته شدن ریگ‌ها و غلتیدن آن‌ها به روی یکدیگر است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۰۰). عده‌ای هم بر این باورند که *تکْوَف* به معنی *تَجَمَّع* است و علت نام‌گذاری این است که وقتی سعد بن ابی وقاص و لشکریانش برای اقامت به این محل رسیدند، سعد به لشکریان گفت: *تَكْوُفُوا فِي هَذَا الْمَكَانِ*؛ در این مکان جمع شوید (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸). کوفه به معنی ریگ‌های دایره‌ای (کروی) شکل نیز هست که کوفان گفته می‌شود (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۰۰).

۱۹-۲. کوفه در گذر زمان

البلدان می‌نویسد: شهری بزرگ در عراق است که قبة الاسلام و محل هجرت مسلمانان است و آن نخستین شهری است که مسلمانان در عراق در سال ۱۴ هجری^۱ ساختند که بر کرانه فرات قرار دارد. این شهر پس از فتح عراق به دستور سعد بن ابی وقاص و بنا به فرمان عمر، ساخته شد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۴۶-۱۴۷). *آکام‌المرجان* می‌نویسد: هوایش درست و آبش خوش‌گوار. در کوفه مناطق و املاک قبایل عرب است. پس از بصره نخستین شهری بود که مسلمانان ساختند (منجم، ۱۳۷۰: ۳۵). مقدسی در سده چهارم درباره کوفه می‌گوید: قصبه‌ای بزرگ، سبک، خوش‌ساختمان با بازارهایی بزرگ، پربرکت و جامع مرافق است. شهر باستانی آنجا حیره بوده که ویران شده است (۱۳۶۱: ۱۶۱). همچنین در *نخبة الدهر* آمده است: تاریخ‌نگاران می‌پندارند این شهر از روزگار نوح بوده و کوفان نام داشته است (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

۱. درباره زمان ساخت کوفه نظرهای دیگری هم هست. مثلاً انصاری دمشقی سال بنا را ۱۲ هجری ذکر کرده است. (۱۳۸۲: ۲۹۲). لسترنج سال ۱۷ بیان می‌کند. (۱۳۶۷: ۸۱) سال‌های ۱۸ و ۱۹ نیز ذکر شده است. (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۳۲)

۳-۱۹. جغرافیای کوفه

اکنون کوفه از نواحی شهر نجف است و در استان کربلا قرار دارد (الحسنی، ۲۰۱۳: ۹۱). ارتفاع کوفه از سطح دریا ۲۲ متر است (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۳۳). مقدسی به چاه‌های گوارا، نخلستان‌ها، باغ‌ها، حوض‌ها و جوی‌ها اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۱).

۴-۱۹. مسجد کوفه

یکی از مساجد مهم و مورد توجه شیعیان، مسجد کوفه است. در سال ۱۷ قمری هنگامی که سعد و مشاورانش قصد پی‌ریزی نقشه شهر کوفه را داشتند، نخستین مکانی که در این نقشه‌کشی مشخص شد، مسجد جامع کوفه بود (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

بازسازی و گسترش مسجد کوفه در زمان مغیره بن شعبه، والی کوفه، در فاصله سال‌های ۴۳ تا ۵۰ هجری انجام گرفته. زیاد در فاصله سال‌های ۵۰ تا ۵۳ هجری تغییرات عمده‌ای در آن به وجود آورد و هزینه‌های هنگفتی صرف آن کرد (همان: ۱۲۷). ابن جبیر از این مسجد بازدید کرده و از عظمت آن سخن گفته است. در قسمتی از این یادکرد به پنج رواق در سمت قبله و دورواق در طرف‌های دیگر اشاره می‌کند (۱۳۷۰: ۲۶۰).

ابن بطوطه (۱۳۴۸) در سفرنامه خود به معماری و مقام‌های مختلف آن اشاره کرده و از خانه امام علی (ع) و آرامگاه‌های بیرون مسجد یاد می‌کند (۲۳۷/۱-۲۳۸). مسجد کنونی بازسازی شده و دارای ضلع‌های ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۰۹ و ۱۱۶ متر است. ارتفاع دیوار (سور) مسجد، ۲۰ متر است و از برج‌های مدور تشکیل شده (الحسنی، ۲۰۱۳: ۸۳). چهار در مهم مسجد، باب السده، باب الفیل، باب الکنده و باب الاثماط هست (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۲۹).

۲۰. دمشق

به همراه کاروان اسیران، سر مبارک امام حسین (ع) و سایر شهیدان، منازل

گوناگونی را طی کردند و به شهر دمشق و دارالحکومه یزید رسیدند (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲/۱۷۶).

۲۰-۱. وجه تسمیه

ابن کلبی گوید: نام دمشق از «دماشق» پسر قانی پسر مالک پسر ارفخشذ پسر سام پسر حضرت نوح (ع) گرفته شده است. نیز گفته اند که این شهر توسط «بیوراسب» بنیاد نهاده شده است. قول دیگری نیز وجود دارد که سازنده دمشق، جیرون، پسر سعد پسر عماد پسر ارم پسر سام پسر حضرت نوح (ع) هست که آن را «ارم ذات العماد» نامید. سخن دیگر اینکه عازر، غلام حضرت ابراهیم (ع) که فردی حبشی بود، این شهر را بنیان نهاد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۲/۳۹۱).

۲۰-۲. دمشق در گذر زمان

یاقوت حموی قدمت این شهر را ۷۰۰۰ سال دانسته و معتقد است حضرت ابراهیم (ع) پنج سال پس از بنای دمشق به دنیا آمده است (همان). این شهر باستانی تا پیش از اسلام در دست رومیان بوده و در سال ۱۴ هجری توسط ابو عبیده جراح به صلح گشوده شده است (منجم، ۱۳۷۰: ۵۷).

ابن جیبر در سفرنامه خود، از کلیسای مریم و هفت دروازه مهم دمشق یعنی باب الشرقی، باب توما، باب السلامة، باب الفردیس، باب الفرج، باب النصر، باب الجابیه و باب الصغیر یاد کرده است (۱۳۷۰: ۳۴۵-۳۴۶).

۲۰-۳. جغرافیای دمشق

این شهر از خوره (کوره) های شام است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۰۳). ارتفاع دمشق از سطح دریا، ۷۰۷ متر است (امینی، ۱۳۹۱: ۸). رودخانه بردا یا رود دمشق از کوه های شهر سرچشمه گرفته و ناحیه غوطه را آبیاری کرده به دریاچه دمشق می ریزد (ابن خردادبه، بی تا: ۱۵۳). این رودخانه اکنون به همین نام خوانده می شود (امینی، ۱۳۹۱: ۱۷).

مقدسی (۱۳۶۱) درباره این شهر نگاشته است: ساختمان ها از چوب و گل است.

بیشتر بازارهایش سرپوشیده است. یک بازار سراسری سرباز دارد. شهرها را نهرها دریده و درخت‌ها پوشانیده است. میوه بسیار دارد. کالاهای متضاد و ارزان، یخ نیز دارد. بهتر از گرمابه‌هایش، شگفت‌آورتر از فواره‌هایش و عاقل‌تر از مردمش نیست. خیلی خوش آب‌وهوا است ولی هوایش خشک، مردمش ماجراجو، میوه‌هایش بی‌مزه، گوشت‌هایش سفت، خانه‌هایش تنگ، کوچه‌هایش اندوه‌زا و نانش بد است. زندگی در آنجا تنگ است. مساحتش در دشت، نیم فرسنگ در نیم فرسنگ است (۲۲۱/۱). قدامه بن جعفر (۱۳۷۰) به کوهی به نام ثلج در دمشق اشاره کرده است (۱۱۵). جمعیت کنونی شهر دمشق ۳،۰۴۵،۰۰۰ نفر است (امینی، ۱۳۹۱: ۸).

۲۰-۴. مسجد جامع دمشق

مسجد جامع دمشق یا بلاط الولید یا مسجد اموی یکی از مساجد بزرگ و باشکوه مسلمانان است. اصطخری (۱۳۷۳)، جغرافی‌دان سده چهارم، درباره آن نگاشته است: آن از بناهای صابیان (صابئیان) است و نماز جای ایشان بود و بعد از آن در دست یونانیان افتاد و آن موضع را موقرو مبجل می‌داشتند. چون ملوک بت‌پرستان و جهودان در آنجا غالب و مستولی شدند، آن موضع را معبد ساختند و یحیی بن زکریا (ع) را در آن سر بریدند و سراورا به در مسجد آویختند و آن در را «جیرون» می‌خوانند. بعد از مدتی طولانی، چون ترسایان غالب و منصور شدند، آن موضع را کنیسه و کتابخانه خود ساختند و دین خود را در آنجا اظهار کردند. چون اسلام رسید و لشکر اسلام در آنجا متغلب و مظفر شدند، آن بقعه را مسجدی بنیاد نهادند. در باب جیرون، همان جایگاه که سربحیی بن زکریا (ع) آویخته بودند، سر امیرالمؤمنین حسین بن علی (ع) آویخته شد. بعد از آن چون ولید بن عبدالملک در آنجا اقامت ساخت، آن مسجد را در عمارت آورد (۷۲-۷۳)

در نخبة الدهر آمده است: این بنا نزدیک به ۴۰۰۰ سال است که پرستشگاه است (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۱).

نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی اعلام جغرافیایی مسیر حرکت امام حسین (ع) و همراهان از مدینه تا کربلا و حرکت سرهای مبارک شهیدان از آنجا تا دمشق است. عطف توجه نویسنده به مکان هایی است که در کتاب ارشاد شیخ مفید (ره) آمده و برای معرفی و تبیین این منازل از متون جغرافیایی گوناگون در سده های پیشین و نیز کتاب های جغرافیایی زمان حاضر بهره برده است. این مقاله از منظری دیگر به واقعه عاشورا نگریسته ویژگی های جغرافیایی و تا حدودی تاریخی منازل میان راه را بررسی می کند. امید است پژوهشگران و دوست داران تاریخ و فرهنگ اهل بیت (ع)، سیره و قیام حسینی را از منظرهای دیگر هم مورد بررسی و پژوهش قرار دهند.

منابع

- قرآن کریم؛
- ابن رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *العلاقات النفیسه*. ترجمه و تعلیق: دکتر حسین قره چانلو. تهران: امیرکبیر. چاپ اول؛
- ابن فقیه، ابی عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی. (۱۴۱۶/۱۹۹۶م). *کتاب البلدان*، تحقیق: یوسف الهادی. بیروت: عالم الکتب. الطبعة الاولى؛
- ابن بطوطه. (۱۳۴۸). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه: دکتر محمد علی موحد. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛
- ابن جبیر، محمد بن احمد. (۱۳۷۰). *سفرنامه ابن جبیر*. ترجمه: پرویز اتابکی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول؛
- ابن خردادبه. (بی تا). *المسالك والممالک*. ترجمه: دکتر حسین قره چانلو. بی جا: نشر نو؛
- ابوالفدا. (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*. ترجمه: عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران؛
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۷۳). *ممالک و مسالک*. ترجمه: محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش: ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار؛
- امینی، داوود. (۱۳۹۱). *سوریه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. چاپ اول؛
- انصاری دمشقی، محمد بن ابی طالب. (۱۳۸۲). *نخبة الدهرفی عجائب البر والبحر*. ترجمه: سید حمید طبیبیان. تهران: اساطیر. چاپ اول؛
- بابان، جمال. (۲۰۱۳). *اصول اسماء المدن والمواقع العراقیة*. بغداد: دارالثقافة و النشرالکرديّة. الطبعة الثانية؛
- بغدادی، صفی الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق. (۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م). *مرصد الاطلاع*. تحقیق و تعلیق: علی محمد بجای. بیروت: دارالمعرفة. الطبعة الاولى؛
- البلاذی، عاتق بن غیث. (۱۴۳۱ هـ/۲۰۱۰م). *معجم معالم الحجاز*. ج ۲ و ۵ و ۶ و ۸. بیروت: مؤسسه الریان. الطبعة الثانية؛
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه: عبدالسلام کاتب.

- تصحیح، توضیح و حواشی: فیروز منصوری. به نشر. چاپ اول؛
- الحسنی، السید عبدالرزاق. (۲۰۱۳م). العراق، قديماً و حديثاً. بيروت: دارالرافدين. الطبعة الاولى؛
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم. (۱۹۸۴). الروض المعطار فی خبر الاقطار. تحقیق: احسان عباس. بيروت: مكتبة لبنان. الطبعة الثانية؛
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۹). الارشاد فی معرفة حجج الله على العباد. ج ۲. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی. چاپ دوازدهم؛
- صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۹۱). كوفه از پیدایش تا عاشورا. تهران: مشعر. چاپ دوم؛
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۹۰). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. تهران: انتشارات اسلامی. چاپ دهم؛
- قدامة بن جعفر. (۱۳۷۰). كتاب الخراج. ترجمه و تحقیق: دکتر حسین قره چانلو. تهران: نشر البرز. چاپ اول؛
- كحاله، عمر رضا. (۱۳۸۴ق/۱۹۶۴م). جغرافية شبه جزيرة العرب. راجعه و علق عليه: احمد على. قاهره: مطبعة الفجالة الجديدة؛
- لسترنج. (۱۳۶۷). جغرافياى تاريخى سرزمين هاى خلافت شرقى. ترجمه: محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ سوم؛
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم. ترجمه: دکتر علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول؛
- منجم، اسحاق بن حسین. (۱۳۷۰). آكام المرجان. ترجمه: محمد آصف فکرت، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول؛
- ناشناخته. (۱۳۹۲). اطلس غدیر و عاشورا. قم: دارالحدیث، چاپ دوم؛
- ناشناخته. (۱۴۲۴ق). موسوعة اسماء الاماکن فى المملكة العربية السعودية. رياض: دار الملك عبدالعزيز؛
- یاقوت حموی بغدادی، ابی عبدالله. (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه: علی نقی منزوی. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول؛

- یاقوت حَمَوی بغدادی، ابی عبدالله. (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول؛
- یاقوت حَمَوی بغدادی، ابی عبدالله. (بی تا). معجم البلدان، بیروت: دارصادر؛
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح. (۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م).
البلدان. بیروت: دارالکتب العلمیة. الطبعة الاولى؛

